

مرآة رشد شناختي پيازه



گروه روان شناسي

استان آذربايجان شرقي

سال تحصيلي ۱۴۰۳-۱۴۰۲

نظريه رشد شناختي پيازه:

نظريه ي پيازه يک نظريه ي مرحله اي است بر اساس نظريه ي او ، مراحل رشد شناختي عبارتند از مرحله حسي - حرکتي ، پيش عملياتي ، عمليات عيني و عمليات صوري

پيازه معتقد بود اين مراحل توالي ثابتي دارند به اين معنا که افراد در هر کشور و فرهنگي به ترتيب يکساني از اين مراحل را مي گذرند. دامنه ي سني مطرح شده از سوي پيازه ، تقريبي است ، برخي کودکان ممکن است مرحله اي را زودتر يا ديرتر طي کنند. به نظر پيازه رشد شناختي آدمي در جريان مراحل به وجود مي آيد که از نظر کيفي و کمي با يکديگر متفاوتند. مراحل پيابي هستند ولي لازم نيست که کودکان حتماً يک مرحله را قبل از ورود به مرحله اي ديگر به اتمام برسانند براي مثال ، کودکی که در مرحله ي تفکر پيش عملياتي است ممکن است برخي از اعمال مختص به هر دو مرحله ي حسي - حرکتی و عمليات عيني را نيز انجام دهد. پيازه مدعي است که همه ي کودکان بايد از مراحل مشابه و با ترتيب مشابه عبور کنند ، گرچه سرعت عبور همه ي آنان يکسان نيست. به نظر او عامل زمان يکي از عوامل اساسي رشد شناختي و ساير جنبه هاي روان شناختي کودک است. پيازه رشد شناختي کودک را از دو جنبه مورد بررسي قرار مي دهد جنبه ي رواني - اجتماعي و جنبه ي روان شناختي. منظور او از جنبه ي روان شناختي آن جنبه از رشد است که به طور خود به خودي ، يعني صرفاً در طي زمان رخ مي دهد . مثال : رشد هوش. در واقع اين مراحل بيانگر آن است که کودکان و نوجوانان چگونه مي انديشند و در هر مرحله از رشد چه ديگر گونيهاي فکري و شناختي در آنان پديد مي آيد .

دوره اول : حسي حرکتي (sensorimotor)

به لحاظ زماني دو سال اول حيات کودک مربوط به اين دوره است. در اين دوره کودک سرگرم کشف ارتباط ميان اعمال خود و پيامدهاي آن است. براي مثال او کشف مي کند براي دست زدن به يک شئ خاص تا چه ميزان بايد دست خود را دراز کند. در اين دوره جهان اطراف براي کودک کاملاً نامنظم و آشفته به نظر مي آيد. کودک از وجود مستقل خویش غافل است و نمي تواند ميان خود و جهان پيرامونش تمايز قائل شود.

همه چيز حول محور خود کودک تعريف مي شود و به همين دليل پيازه از واژه «خود محوري» (egocentric) براي کودک استفاده مي کند. تا پيش از يک سالگي جهان پيرامون کودک حالت ثبات و دائمي ندارد و غياب هر شئي مساوي با عدم آن خواهد بود. اما پس از مدتي اولين ، مهم ترين و اساسي ترين اکتشاف شناختي کودک يعني پايداري شئ (permanence object) رخ مي دهد. کودک به اين نکته پي مي برد که اگر حتي اشياي در معرض حواس او قرار نگیرند باز هم وجود خواهند داشت. به عبارت ديگر کودک در پايان اين دوره به تفاوت ميان احساس يک شئ و خود شئ پي مي برد.

دوره دوم: پيش عملياتي (preoperational)

اين دوره سن دو تا هفت سالگي را شامل مي شود. در اين دوره کودک اين توانايي را پيدا مي کند که ميان اشيا و حواس خود تمايز قائل شود. چنين توانايي در جريان کارکردهاي رمزي (semantic functions) براي کودک حاصل مي شود. جهان کودک صرفاً به زمان حال محدود نمي شود بلکه گذشته، حال و آينده را نيز در مي يابد. ويژگي اصلي اين دوره رشد کارکردهاي نمادي در قلمرو زبان است. کودک با دروني کردن جهان خارج در ذهن خود، به خيالپردازي پرداخته و از علائم و

نشانه‌ها استفاده می‌کند. مسلماً «زبان عالی‌ترین و پیچیده‌ترین روش نمادی است که کودک در این دوره فرا می‌گیرد».

با وجود این، کودک همچنان ناتوان از جداسازی واقعیت‌های خارجی از علائمی است که به کمک آنها این واقعیت‌ها را توصیف می‌کند: در نتیجه «خود محوری» کودک همچنان پا برجاست. کودک چنین تصور می‌کند که نام هر شیئی بخشی از خود آن شیء است و یا این‌که رویاهای او اموری واقعی در جهان خارج هستند.

مهم‌ترین مشکل کودک در این مرحله این است که هنوز به طور کامل و دقیق شناختی از دنیای درون و بیرون به دست نیاورده است. از نکات جالب توجه این است که کودک در این دوره اشیا را صرفاً بر حسب یک ویژگی طبقه‌بندی می‌کند. برای مثال «همه قطعات چوبی قرمز را صرف نظر از شکل آنها، یا تمام قطعات چوبی مربعی شکل را صرف نظر از رنگ آنها در یک گروه قرار می‌دهد.»

دوره سوم: عملیات عینی (concrete operations)

در فاصله سنی هفت تا یازده سالگی کودک می‌تواند به مفهومی از زمان، مکان، عدد، اندیشه درستی و... برسد. در این دوره او به دستکاری نشانه‌ها می‌پردازد و قادر است درباره اشیا و رویدادها به طور منطقی فکر کند. با وجود این فکر منطقی کودک محدود به مسائل و امور عینی است.

از سوی دیگر تفکر با موضوع تفکر همچنان در آمیخته است. یکی از یافته‌های پیاژه در این دوره مفهوم «چند سو نگری» است. منظور از چند سو نگری این است که کودک هر شیء و یا رویدادی را از جنبه‌ها و سطوح مختلف مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار می‌دهد.

در این دوره کودک کشف می‌کند دیگران نیز همچون او دارای اعتقادات و علایق مختلف هستند. کودک قادر است که خود را در موقعیت دیگران قرار دهد و آنها را درک کند. نکته جالب توجه این است در این دوره، کودک برخلاف بزرگسالان که تلاش می‌کنند واقعیت‌ها را معیار آزمون فرض‌های خود قرار دهند، بر این امر اصرار دارد که فرض‌های او صحیح بوده و تلاش می‌کند هر جا میان نظرات او و واقعیت‌ها تفاوت وجود دارد، تعبیر مناسب دیگری از آنها ارائه کند. چنین ناتوانی‌ای در تفکیک فرضیه‌ها و واقعیت‌ها موجب روی آوردن به انواع تفکرات فلسفی اسرار آمیز می‌شود.

دوره چهارم: عملیات صوری (formal operations)

این دوره از دوازده سالگی تا سنین بزرگسالی را شامل می‌شود. در این دوره تفکر نوجوان از قلمرو واقعیات عینی و محسوس فاصله گرفته و به قلمرو انتزاعیات وارد می‌شود. فرد در این مقطع قادر است نظریه‌ها و الگوهای مختلفی را در مورد جهان خارج و واقعیات مربوط به آن مطرح کند. او به این نکته پی می‌برد که نظریه‌ها و الگوها در باب واقعیت‌های جهان خارج در واقع بیانگر وضعیت مفروض است و نه وضعیت خود واقعیت‌ها. نوجوان برای آینده خود آرمان‌ها و هدف‌هایی را ترسیم می‌کند و در جهت تحقق آنها گام بر می‌دارد.

در آخرین دوره رشد شناختی هر چند نوجوان قادر به شناخت منطق واقعیت‌ها شده است لکن در این توانایی، شناختی، عمیق و لازم را کسب نکرده است. در نتیجه نوجوان در داشتن این توانایی، شناختی مبالغه کرده و به حالت جدیدی از خود محوری دچار می‌شود. ظهور این نوع از خود محوری در قالب «توانایی نامحدود فکر» نشان داده شده است.

مهم‌ترین ضعف این دوره آن است که فرد نمی‌تواند پی به این نکته برد که در تفکر همه چیز امکان تحقق دارد ولی چنین چیزی برای واقعیت صادق نیست. از نگاه پیاژه پس از دوره چهارم دیگر شاهد تغییر کیفی در ظرفیت‌های شناختی انسان نخواهیم بود و تنها محتوای فکری و نه ساخت‌های ذهنی فرد عمق و گسترش می‌یابد.

چند نکته درباره مراحل رشد شناختی:

۱- مراحل مختلف رشد شناختی مطرح شده توسط ژان پیاژه به لحاظ کیفی با یکدیگر تفاوت دارند. مقصود از تفاوت کیفی این است که دریافت کودک از خود و جهان و پیرامونش در مراحل مختلف رشد متفاوت است و مسلماً نحوه برخورد با مسائل و تعبیر و تفسیر آنها نیز به اشکال مختلف صورت می‌گیرد.

۲- هر یک از مراحل مختلف رشد شناختی، ساخت و عملکرد خاص خود را دارد. این به معنی آن است که تحول فکری همه کودکان با نظم معین و در زمان نسبتاً معین ظاهر می‌شود و کودک نمی‌تواند بدون طی مرحله پیشین به مرحله بعدی وارد شود.

۳- دامنه زمانی تحول شناختی از یک مرحله به مرحله دیگر به تناسب وضعیت درونی کودک و شرایط محیط خارج متفاوت است.

۴- پیاژه مراحل مختلف رشد کودک را با توجه به پژوهش‌های گسترده‌ای که زمینه شکل‌گیری مفاهیم مختلف شناختی مفاهیمی همچون مکان، فضا، زمان، علیت، عدد، قانون و ... انجام داده و همچنین با توجه به نحوه تخیل و زبان آموزی، رفتار و اخلاق کودک بیان کرده است